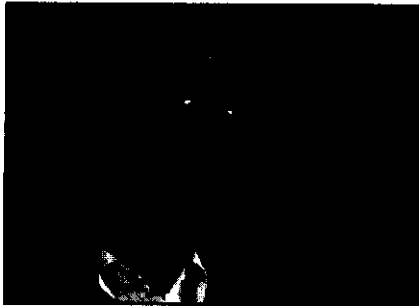


اطلاع‌رسانی ضعیف نشریات ادبی

دکتر عباس پژمان



این قضایا رهبری ادبی نشریات بسیار کم رنگ شده و ضمن این که در بعد اطلاع‌رسانی هم نشریات چندان خوب عمل نمی‌کنند. بیست سال پیش اگر مقاله مهمی به قلم فرد صاحب‌نامی نوشته می‌شد، همه اهل قلم این مطلب را می‌دیدند و می‌خواندند در صورتی که الان احساس می‌شود حتی وقتی بهترین نویسندگان ما می‌نویسند کمتر کسی آن را می‌بیند. گاهی وقتی قرار است یک کتاب چاپ بشود صد بار خبر آن را اعلام می‌کنند و درباره‌اش مطلب می‌نویسند و وقتی این کتاب چاپ می‌شود باز می‌بینی که عده زیادی از آن اطلاع ندارند این شرایط در حوزه مطبوعات و رسانه‌های فرهنگی وجود دارد قطعاً یکی از علت‌های اصلی آن وجود افراد غیر حرفه‌ای در عرصه مطبوعات است. اما من امیدوارم با شروع هشتمین سال فعالیت از ما بتواند نقش شایسته‌ای را در عرصه فرهنگ و ادبیات کشور بر عهده بگیرد.

سخنران بعدی دکتر عباس پژمان مترجم صاحب نام بود، که گفت: من از فرمایشات دوستانم سوءاستفاده می‌کنم و همان نکات مثبتی را که در مورد آزما گفتند تایید و تکثیر کرده و خدمت سردبیر و مدیرمسئول این مجله تقدیم می‌کنم، در کنار این بحث‌ها می‌خواهم یک مسئله دیگر را بگویم همان طور که می‌دانیم رسانه‌های فرهنگی دو وظیفه را در کنار هم انجام می‌دهند، یا در واقع قرار است انجام بدهند. یکی اطلاع‌رسانی است و انعکاس اخبار فرهنگی و نظرات نویسندگان و اندیشمندان و رسالت دیگرشان یک نوع رهبری ادبی است. همان طور که در دنیا بسیاری از نشریات ادبی چنین نقشی داشته‌اند. چون رسانه‌ها بنا بر ماهیت خاص خودشان می‌توانند محل خوبی برای برخورد اندیشه‌ها باشند و طبیعی است در چنین شرایطی آن اندیشه‌هایی که استعداد تبدیل شدن به جریان‌ات ادبی و فکری را دارند مجال بروز پیدا می‌کنند و همین طور رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در کشف استعداد‌های ادبی و هنری بازی کنند به طور مشخص در این شش هفت سال اخیر وضع خاصی در حوزه رسانه‌های کشور ما پیش آمده. از یک طرف تعداد نشریات ادبی بسیار زیاد شده مخصوصاً در مقایسه با تولیدات فرهنگی ما و همین طور بروز پدیده اینترنت را هم داریم و همگام با



نقل خاطره

دکتر رضا کاشفی

دکتر رضا کاشفی، مشاور مجله آخرین سخنران مراسم بود. وی که خود از اهالی قدیم مطبوعات است در ابتدای سخنان خود گفت: من همان طور که اشاره کردند از بچه‌های قدیم مطبوعات هستم نه از جوانانش چون از بچه‌گی کارم را در مطبوعات شروع کردم، البته از آزما گفتند، می‌بینم تعریفی هم هست اما من می‌خواهم، خاطره‌ای تعریف کنم. کاشفی سپس به بیان خاطره‌ای از دوران روزنامه نگاری‌اش در بعد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و فضای حاکم بر مطبوعات آن زمان پرداخت و اشتهایی که در انجام یک کار مطبوعاتی مسیر یک جلسه سیاسی را بر هم زده بود که نقل این خاطره با استقبال حاضران روبرو شد.



در نخستین ردیف صندلی‌های سالن ناصری دو تصویر از زنده‌یادان عمران صلاحی و بهمن توسی همراه با شاخه گلی به یادبود و به نشانه حضور معنوی آنان در مراسم آزما وجود داشت و سردبیر مجله با اشاره به این دو صندلی و این تصویرها گفت: این دو تن از یاران همیشه‌گی آشنا و دوستان قدیم و ندیم من هستند. عمران صلاحی و بهمن توسی، آن‌ها همیشه با ما بوده‌اند و خواهند بود. در این مجلس هم هستند و تا آزما هست و ما هستیم صمیمی‌ترین و بهترین دوستان هم هستند، یادشان برای ما زنده و گرمی است.